

تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی شهرداری

در راستای ورود خسارت به شهروندان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۰۴)

سیدهمايون موسوی اجاق^۱

یاسمن کرمی خاتونبان

چکیده

مسئولیت مدنی شهرداری به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای عمومی ارائه‌دهنده خدمات شهری، در سال‌های اخیر به دلیل گسترش وظایف و افزایش تعاملات شهروندان با مدیریت شهری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. ورود خسارت به شهروندان در اثر اقدامات، تصمیمات، ترک فعل یا قصور مأموران و کارکنان شهرداری، همواره زمینه‌ساز طرح دعاوی متعدد و ایجاد چالش‌های حقوقی در تعیین مبنای، شرایط و حدود مسئولیت این نهاد بوده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی شهرداری در قبال خسارات وارده به شهروندان، به بررسی مبانی قانونی، فقهی و دکترینی مسئولیت، ارکان تحقق مسئولیت شامل ورود ضرر، فعل یا ترک فعل زیان‌بار، رابطه سببیت و تقصیر و نیز موارد استثنا و عوامل رافع مسئولیت می‌پردازد. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای، قوانین، آرای قضایی و دیدگاه‌های حقوق‌دانان، ضمن تبیین جایگاه شهرداری در نظام حقوق عمومی و خصوصی، نحوه اعمال قواعد مسئولیت مدنی نسبت به این نهاد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه شهرداری در بسیاری از موارد به دلیل ماهیت خدمات عمومی خود دارای اختیارات گسترده‌ای است، اما این اختیارات

موجب مصونیت از مسئولیت نبوده و در صورت احراز ارکان مسئولیت مدنی، مکلف به جبران خسارات مادی و معنوی وارد شده به شهروندان خواهد بود. همچنین، خلأهای تقنینی، ابهام در تشخیص حدود وظایف قانونی شهرداری و تفاوت رویه های قضایی از مهم ترین چالش های موجود در این حوزه به شمار می روند. از این رو، اصلاح مقررات، ایجاد رویه قضایی منسجم و تقویت سازوکارهای پیشگیرانه و نظارتی می تواند نقش مؤثری در حمایت از حقوق شهروندان و ارتقای پاسخگویی شهرداری ها ایفا کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، شهرداری، جبران خسارت، شهروندان، تقصیر، رابطه سببیت، حقوق شهری

مقدمه

با گسترش شهرنشینی و توسعه ساختارهای مدیریت شهری، شهرداری ها به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای عمومی غیردولتی، نقش اساسی در اداره امور شهری و تأمین خدمات عمومی ایفا می کنند. در سال های اخیر، رویکرد مدیریت یکپارچه و محله محور در نظام مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته و اجرای تدریجی آن در سطح محلات آغاز شده است، با این حال، تحقق کامل این رویکرد مستلزم زمان، برنامه ریزی دقیق و اصلاح ساختارهای اجرایی است. هم زمان با این تحولات، افزایش انتظارات شهروندان از شهرداری ها در زمینه پاسخگویی اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهری، موجب شده است که مسئولیت های حقوقی این نهاد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (شکری و زارع، ۱۳۹۵: ۹۵). یکی از مسائل بنیادین در حقوق شهری، موضوع مسئولیت مدنی شهرداری ها در قبال ورود خسارت به شهروندان است. شهرداری ها در جریان انجام وظایف قانونی خود ممکن است به دلایل مختلف از جمله خطای اداری، قصور کارکنان یا نقص در زیرساخت ها موجب

ورود خسارت به اشخاص شوند. در چنین شرایطی، تعیین حدود مسئولیت و تفکیک میان خطای شخصی کارکنان و مسئولیت سازمانی شهرداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بنکدار، ۱۳۹۸). این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که خسارت ناشی از عملکرد غیرمستقیم یا ترک فعل اداری باشد، زیرا در این حالت احراز رابطه سببیت و انتساب زیان به نهاد عمومی با دشواری‌های حقوقی همراه است. توسعه نظام قضایی و افزایش دعاوی مرتبط با اشخاص حقوقی موجب شده است که تعیین صلاحیت مراجع رسیدگی کننده به دعاوی علیه شهرداری‌ها به یکی از چالش‌های مهم حقوقی تبدیل شود. در نظام حقوقی ایران، وجود مراجع اختصاصی همچون کمیسیون ماده ۱۰۰ و کمیسیون ماده ۷۷ در کنار دادگاه‌های عمومی، گاه موجب ابهام در حدود صلاحیت‌ها شده است. در حالی که دادگاه‌های عمومی به عنوان مرجع عام رسیدگی، صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه قانون استثنا کرده باشد، مراجع اختصاصی تنها در حدود صلاحیت مصرح قانونی مجاز به رسیدگی هستند (موسوی، ۱۴۰۱). این وضعیت در دعاوی مرتبط با مسئولیت مدنی شهرداری‌ها، به ویژه در حوزه خسارات ناشی از عملکرد یا ترک فعل، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مفهوم مسئولیت مدنی در حقوق ایران عمدتاً بر مبنای قواعد اتلاف و تسبیب در قانون مدنی استوار است. مطابق مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی، هر کس مال دیگری را تلف یا سبب تلف آن شود، ضامن جبران خسارت است (مومن زاده، ۱۳۹۱). با این حال، اتکای صرف به این قواعد برای تحلیل مسئولیت مدنی نهادهای عمومی از جمله شهرداری‌ها کافی به نظر نمی‌رسد، زیرا ماهیت فعالیت‌های عمومی و گستره وظایف این نهادها اقتضائات خاصی را در زمینه مسئولیت ایجاد می‌کند. از این رو، در کنار قواعد قانونی، بهره‌گیری از اصول فقهی مانند قاعده اتلاف و تسبیب نیز در تحلیل این موضوع ضروری است (حسنی، ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین ابعاد موضوع، ورود خسارت ناشی از بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه است. حوادثی مانند سیل، زلزله و طوفان همواره از عوامل مهم ایجاد خسارت در جوامع انسانی بوده‌اند. اگرچه امکان پیشگیری کامل از این حوادث وجود ندارد، اما نقش دولت و شهرداری‌ها در کاهش آثار و مدیریت بحران بسیار تعیین کننده است (وحدانی نیا، ۱۴۰۰). در این زمینه، پرسش اساسی آن

است که آیا در صورت وقوع خسارت ناشی از حوادث قاهره، شهرداری مسئولیتی در قبال شهروندان دارد یا خیر، و در صورت وجود مسئولیت، معیارهای انتساب آن چیست (مومن زاده، ۱۳۹۱). در تحلیل مسئولیت در چنین شرایطی، مفهوم قوه قاهره به عنوان عامل رافع مسئولیت مورد توجه قرار می گیرد. بر اساس قواعد حقوقی، در صورتی که حادثه خارجی، غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع باشد، رابطه سببیت میان فعل زیان بار و خسارت منتفی شده و مسئولیت از بین می رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۸). با این حال، چنانچه وقوع خسارت ناشی از عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه یا قصور در مدیریت شهری باشد، امکان انتساب مسئولیت به شهرداری وجود خواهد داشت. در واقع، معیار اصلی در این زمینه، وجود یا عدم وجود تقصیر و میزان ایفای وظایف قانونی در پیشگیری از خسارت است (قاسم زاده، ۱۳۹۷). اجرای طرح های عمومی شهری و اعمال محدودیت بر حقوق مالکانه اشخاص نیز از جمله حوزه هایی است که می تواند منجر به ورود خسارت شود. در بسیاری از موارد، اجرای این طرح ها مستلزم سلب یا محدودسازی حقوق مالکانه افراد است که این امر باید بر اساس قانون و با جبران خسارت صورت گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷). بر این اساس، چالش اصلی آن است که آیا اقدامات شهرداری در اجرای طرح های عمومی، در صورت ورود خسارت به شهروندان، در زمره مسئولیت مدنی قرار می گیرد یا در چارچوب اعمال حاکمیت و در نتیجه معاف از مسئولیت است. با توجه به افزایش گسترده فعالیت های شهرداری ها، پیچیدگی روابط شهری، توسعه طرح های عمرانی و افزایش دعاوی مرتبط با خسارات شهری، ضرورت بررسی دقیق و نظام مند مسئولیت مدنی شهرداری ها بیش از پیش احساس می شود. به ویژه آنکه خلأهای تقنینی و ابهامات موجود در قوانین، زمینه ساز اختلافات متعدد در رویه قضایی شده است (میرنظامی، ۱۴۰۰). بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که حدود مسئولیت مدنی شهرداری در قبال ورود خسارت به شهروندان، به ویژه در شرایط حوادث غیرمترقبه و اجرای طرح های عمومی، چگونه قابل تبیین و تحلیل حقوقی است.

بخش اول: مسئولیت مدنی شهرداری

بند اول: تعریف مسئولیت

مسئولیت در لغت به معنای ضمانت و تعهد است مسئولیت چیزی با کسی بودن، یعنی به گردن او، به عهده او، در ضمان و پابندی اوست. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۱۸۴۶۵) وظیفه حقوقی است که یک شخص در برابر دیگری دارد و نقطه ی مقابل این مسئولیت، مسئولیت کیفری است. این مسئولیت می تواند مواردی از قبیل: جبران خسارت، یا انفاق به خویشاوندان، تسلیم مورد معامله و غیره باشد.

بند دوم: تعریف مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارتست از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول و یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت حاکمیت یا تصرف او باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۳) مسئولیت مدنی در قانون تعریف نشده است. اما در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ آمده است:

« هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد ». از این رو هر شخصی که ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد در برابر او مسئولیت مدنی دارد. براساس قاعده لاضرر هر کس به دیگری زیان وارد کند مسئول جبران آن است. و این قاعده بر روابط و مناسبات بین مردم حاکم است. (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱)

بند سوم: تعریف مسئولیت مدنی شهرداری

الف. تعریف شهرداری: شهرداری معمولاً به بخشی شهری که به صورت یک ابرشرکت با قدرت خودگردان یا در حیطه قضایی اداره می‌شود. در ایران، طرز تلقی عامه مردم از شهرداریها با آنچه که این سازمانها برای رسیدن به اهداف مورد نظر بوجود آمده‌اند بسیار متفاوت می‌باشد. از نظر عامه، شهرداری نهادی خدماتی است و این موضوع، جایگاه آن را به سطح بسیار پایینی تنزل داده است. در نظر عامه شهرداری سازمانی است که خدمات شهری ارائه می‌دهد و بهای آن خدمات را دریافت می‌کند (کامیار ۱۳۸۵، ۴۸). در حقیقت، در تعریف شهرداری می‌توان آن را سازمانی غیردولتی و غیرانتفاعی و مردمی دانست که اداره و مسئولیت و مدیریت امور شهری را با مجوز دولت و با امکانات مردمی به دست آورده تا به منظور ایجاد و اداره کردن تأسیسات عمومی و وضع و اجرای نظامات شهری و تأمین نیازمندیهای مشترک محلی فعالیت کند و هزینه خدماتی را که به آن واگذار گردیده با اسلوبی منطقی و عادلانه بین سکنه شهر و استفاده کنندگان از خدمات تقسیم نماید، تعریف کلی و اساسی شهرداری در ایران اینگونه می‌باشد: شهرداری مؤسسه‌ای عمومی، غیردولتی و مستقل است که به موجب قانون در شهرها تشکیل می‌شود و عهده دار امور محلی و اداره خدمات به شهروندان و سکنه شهری می‌باشد. به موجب ماده ۳ قانون شهرداری، شهرداری شخصیت حقوقی مستقلی دارد (کامیار ۱۳۸۵، صص ۴۸-۴۹).

ب. تبیین مسئولیت مدنی شهرداری: در جبران زیان وارده به غیر ناشی از مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق عمومی غیردولتی است. به موجب ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی... واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا می‌شود...» از این نظر که شهرداری ارائه دهنده خدمات عمومی است می‌توان مسئولیت مدنی

دولت و شهرداری را یکی دانست. هرچند امروزه ضرورت جبران زیان وارده به دیگری، از اصول مسلم حقوقی شناخته می‌شود و تفاوتی نیز میان اشخاص حقیقی و حقوقی (اعم از اشخاص حقوقی حقوق عمومی و حقوق خصوصی) قائل نمی‌شوند اما بنا به اختلافی که در خصوص اصل پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات دولت و نهادهای عمومی در گذشته وجود داشته است ولی موافقان برای وجود چنین مسئولیتی دلایلی همچون ریشه اخلاقی، جبران خسارت و صدق عنوان کارفرما بر دولت و نهادهای عمومی می‌دانند. (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۵۴۳-۵۴۴) شهرداری به عنوان یک سازمان اداری، محلی و غیر متمرکز اداره امور شهر را به عهده دارد و در هنگام انجام مسئولیت‌ها و وظایف خود ممکن است که موجب ورود خسارت به دیگران شود. و این اضرار به غیر در حوزه مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد. در حقوق ایران مسئولیت مدنی شهرداری به عنوان یک شخص حقوقی پذیرفته شده است.

بخش دوم: مبانی و ارکان مسئولیت مدنی شهرداری

در مورد اینکه مبانی مسئولیت مدنی چیست دو نظریه مطرح است. نظریه تقصیر که بر مبنای آن شخصی که مرتکب تقصیر شده است به واسطه تقصیر مسئول است چون این تقصیر باعث ورود خسارت به زیان دیده شده است. متضرر مدعی است که خسارت به وی وارد آمده است و بایستی ثابت کند که در نتیجه فعل زیانبار مقصر زیانی به او وارد آمده است. این نظریه چون ممکن است متضرر نتواند تقصیر را ثابت نماید مورد انتقاد واقع شده است و باعث قبول نظریه دوم یعنی نظریه مسئولیت نوعی یا محض گردیده است که در این نظریه نیازی به اثبات تقصیر نمی‌باشد.

در مبحث ارکان مسئولیت مدنی سه رکن اساسی وجود دارد: ۱. وجود ضرر ۲. فعل زیانبار ۳. رابطه سببیت بین فعل و ضرر

الف. ضرر: وجود ضرر اصلی ترین پایه و اساس مسئولیت مدنی است ضرر به معنای نقص در

مال، جان عواطف و سرمایه معنوی شخص است. (توکل، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷). براساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی:

« هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. » ضرر بایستی مسلم و قطعی باشد و ضرر به طور مستقیم واقع شده باشد و همچنین جبران نشده باشد.

ب. فعل زیانبار: فعل زیانبار نیز فعل یا ترک فعلی است که غیرقانونی و نامشروع بوده و موجب ورود خسارت می گردد. در واقع متضرر باید قادر به اثبات فعل زیانبار باشد که بتواند از فاعل مطالبه خسارت نماید در غیر اینصورت فاعل مسئولیتی نخواهد داشت. در مورد فعل قانونی می توان ضمان طیب در ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ را مثال زد، که قانون گذار با این وجود که فعل طیب غیر قانونی نمی باشد. باز هم در صورت بروز خسارت طیب را ضامن دانسته است. این در حالی است که تعهد پزشک از نوع تعهد به وسیله است و تعهد به نتیجه نمی باشد. البته همانگونه که استحضار دارید چنانچه طیب علاوه بر رضایت براثت را نیز تحصیل نماید در صورتی که بر خلاف مقررات و نظامات اقدام ننماید دیگر مسئولیتی در قبال خسارت وارده به بیمار نخواهد داشت.

ج. رابطه سببیت: وجود رابطه سببیت بین فعل و ضرر است که متضرر باید ثابت کند که بین فعل زیانبار و ضرر رابطه علیت وجود دارد و تا زمانی که رابطه علیت ثابت نشده باشد نمی توان گفت که ضرر وارده به علت فعل زیانبار بوده است. ضرر هنگامی قابل جبران است که مستقیم و بی واسطه باشد. و ضرری قابل جبران است که مسلم، قابل پیش بینی و مستقیم باشد. (قاسم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹)

بخش سوم: مسئولیت مدنی شهرداری مبتنی بر عدم تقصیر

با توجه به وظایف گسترده و کارکردهای گوناگون شهرداری در سطح شهر و زمینه های مختلف عمرانی و... به عنوان نتیجه مورد طرح و بررسی قرار می گیرد عبارت است از اینکه مبنا قرار گرفتن تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی، باعث می گردد تا بسیاری از خسارات جبران نشده باقی بماند. اثبات تقصیر شهرداری یا مستخدم از سوی زیان دیده و لزوم اثبات رابطه سبب بین زیان وارده و عمل انجام گرفته، کاری دشوار بود که همواره دو قدرت نابرابر (زیان دیده و شهرداری را در برابر هم قرار می داد و در بسیاری از موارد زیان دیده، ناتوان از اثبات بود. مسئولیت اخیر ملاک تقصیر را به جهت مسئولیت مدنی شهرداری حذف نموده و عنوان نماید که در فرض ورود خسارت نیازی به اثبات تقصیر فاعل در ارتکاب عمل زیانبار نیست و صرف وجود رابطه ی علمیت بین زیان وارده و فعل زیانبار برای تحقق مسئولیت کفایت می کند، اصل ضرر وارد شده است و نه تقصیر انجام شده در تعریف مسئولیت مدنی بدون تقصیر شهرداری می توان اظهار داشت؛ نوع خاصی از مسئولیت است که طی آن شهرداری به حکم قانون، ملزم به جبران خساراتی است که یا به واسطه انجام وظایف خود ناگزیر به تحمیل آن به شهروندان است و یا بدون آنکه در وقوع آن نقشی داشته باشد، در جهت برقراری عدالت و حمایت از حقوق زیان دیدگان دست به جبران می زند.

بند اول: نظریه خطر

فلسفه های گوناگونی در خصوص ایجاد نظریه ی مذکور مطرح گردیده است. در مهمترین فلسفه باید گفت هر شخصی که در دنیا تصمیم به انجام عملی می گیرد، مستحق تمام منافع حاصل از آن و نیز مسئول تمامی ضررهای ناشی از آن عمل است که به خود و دیگران وارد

آورده است. وقتی فرد با علم و اختیار به انجام فعالیتی مبادرت می ورزد که از منافع آن منتفع گردد، قطعاً باید پذیرای خطرات ناشی از این فعالیت نیز باشد و نمی تواند زبانهای حاصل از منافع خود را به دیگران تحمیل کند. ایجاد محیط خطرناک و اقدام به عملیات خطرناک که از سوی کارفرمایان و علی الخصوص شهرداری به عنوان کارفرمای بزرگ صورت می گرفت، مشهورترین نظریه ای که در حقوق کامن لا بر مبنای اختیار گرایی^۱ و به عبارتی نظریه خطر مطرح گردیده است، نظریه ایستین در مقاله ی مشهور وی به عنوان «نظریه ی مسئولیت محض» است. به نظر وی، در صورتی که فرد تصمیم بگیرد و در دنیا عملی انجام دهد، مستحق تمام منافع حاصل آن و نیز مسئول تمام ضررهایی است که از آن عمل به خود وی و دیگران وارد می آید. به عبارت دیگر منافع و ضررهای اعمال هر فرد به خود وی باز میگردد و منصفانه نیست تا کس دیگری را مجبور به تحمل آن نمایم نظریه خطر دارای دو بعد تقی کننده و اثبات کننده است. در جنبه نفی کننده برای تحقق مسئولیت مدنی وجود تقصیر لازم نیست، در جنبه اثباتی باید پاسخگویی شخص را اعم از اینکه مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد، ملاک قرارداد (مهاجری، ۱۳۹۰: ۲۹)

بند دوم: نظریه تضمین حق

نظریه ی تضمین حق نخستین بار به وسیله ی «استارک» در رساله وی به عنوان «نظریه ی عمومی مسئولیت مدنی از جنبه ی کارکرد دوگانه تضمین و کیفر خصوصی» مطرح گردید. وی معتقد بود که بایستی از جنبه زیان دیده به مسئله مسئولیت مدنی پرداخت و نظریه های خطر و تقصیر را به واسطه آنکه شرایط تحقق مسئولیت مدنی را تنها از جنبه وارد کننده زیان مورد توجه قرار می دادند و تا حدی آن را شخصی می دانست. هر کس در جامعه حقوقی نسبت به

زندگی و تمامیت جسمانی و اموال خود دارد و نسبت به داشتن امنیت مادی و معنوی که این حقوق بایستی بوسیله ی دولت تضمین گردد. پس آیا خساراتی مانند جراحات، مرگ و اتلاف که ناشی از فعل غیر است تجاوز به حقوق محسوب نمی شود؟ لطمه به حق دلیل کافی برای وضع ضمانت اجرا است و چنین ضمانت اجرایی چیزی جز تعهد به جبران خسارت نیست. به گونه ای که هر فرد در جامعه حق سالم زیستن و ایمن بودن و استفاده از اموال و دارایی های خود را دارد. که این حق باید بوسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد و ضمانت اجرای این حمایت مسئولیت متجاوز است، همه وظیفه احترام به حقوق دیگران را دارند و اینکه ایمنی سایرین را به خطر نیندازند و همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف کننده آن جبران شود. اما گاهی رخ میدهد که شخص مسئول جبران زیانهای ناشی از فعل غیر است و در مقام حق تقدم همیشه حق تقدم با زیان دیده است و چون کسی نمی تواند اعمال حق خویش را به وسیله اضرار دیگران قرار دهد و دادن حق انجام کار به شخص به معنای مباح شناختن اضرار به دیگری نیست، پس بایستی حق زیان دیده مورد حمایت قانونی قرار می گیرد و خسارات باید قطع نظر از تقصیر عامل ورود زیان جبران شود. و این حق زیان دیده باید تضمین گردد. در این نظریه، علم شهرداری به ناتوانی کارکنان خود در جبران خسارتهای وارده و حمایت از حقوق زیان دیده، جبران خسارت وارده از سوی مأمورین شهرداری به عهده ی وی قرار می دهد. بعضی از اندیشمندان پذیرش مسئولیت توسط شهرداری از جانب مأمورین خود را در حکم کفالت قانونی می دانند و معتقدند که «ضمانت» رابطه ای است که باعث انتقال مسئولیت از کارکنان و مستخدمین به شهرداری می شود.

از دیگر منظر؛ می توان نظریه تضمین را به نوعی تضمین کننده امنیت برای مأمورین شهرداری دانست تا با آسودگی خاطر بتوانند به انجام خدمات خود پردازند یعنی جنبه حمایتی این نظریه در این دیدگاه علاوه بر زیان دیده، شامل مأمورین شهرداری نیز خواهد شد. یعنی مبنای تعیین مسئول (تعیین کردن شهرداری به عنوان مقام پرداخت غرامت) بدون توجه به تقصیر این است که جبران خسارتی که ممکن است به وسیله مستخدم به وجود آید، باید بر عهده کسی گذاشته شود که به دلیل وضعیتش هم از فعالیت آنها بهره می برده و هم این توانایی را دارد که از خسارت جلوگیری کند. همچنین علاوه بر مستخدم زیان دیده از وجود یک پاسخگوی اضافه بهره مند میشود که تضمین توانایی پرداخت او از مأمور بیشتر است. در عین حال که این نظریه در خصوص بعضی از مسئولیت های بدون تقصیر مقرر شده است، اما به نوعی قلمرو خسارتهای قابل جبران محدود شده است و تنها جبران ضررهای موجود و بالفعل را شامل می شود و شامل عدم النفع و ضرر معنوی نیست. همچنین نظریه مطروحه، فقط خاص مسئولیت بدون تقصیر شهرداری نیست و مسئولیت مبتنی بر تقصیر را که در آن تقصیر مقام عمومی بر تقصیر شهرداری تقدم دارد را نیز در بر می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲۸)

بند سوم: نظریه برابری در مقابل قانون

دولت که نقش اساسی در تبیین حقوق بنیادین افراد و تحقق آن دارد، بایستی براساس اصل برابری، با همگان در شرایط مساوی، به گونه ای یکسان برخورد نماید زیرا عمومیت قانون، بر این امر اطلاق دارد که قانون باید برای همگان به یک صورت اجرا شود، چنانکه ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین مقرر می دارد: «همه در برابر قانون مساوی هستند، بدون تبعیض و به صورت یکسان از حمایت قانون برخوردارند، همه حق دارند، در مقابل هر تبعیضی که

ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد و برعلیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به صورتی برابر از حمایت قانون بهره‌مند شوند» تساوی در برابر قانون، به این معناست که تمامی شهروندان عهده‌دار یکسان هزینه‌هایی هستند که شهرداری به منظور تأمین منافع عمومی و با استقرار نظم، صرف می‌کند. در واقع دغدغه اصلی در این جایگاه برقراری عدالت اجتماعی است که با رعایت برابری شهروندان در هر دو حوزه آزادی و باز توزیع امکانات اقتصادی اجتماعی برقرار می‌گردد. نظریه‌ی مذکور را می‌توان نظریه‌ی اقتصاد گرا (هزینه - منفعت محور) دانست که ناشی از افکار دولت رفاه است. به گونه‌ای که دولت یکی از وظایف خود را در تأمین رفاه شهروندان سرشکن کردن هزینه‌های عمومی بر تمام افراد جامعه به صورت یکسان و جبران خسارت‌های وارده به افراد می‌داند. نظریه برابری در مقابل هزینه‌های عمومی «بر ایده پرداخت مالیات» متکی است بدین معنا که اصل برابری در مقابل هزینه‌های عمومی، می‌تواند از حیث مفهومی، معادل با «برابری افراد در پرداخت مالیات» دانسته شود. پس اگر فردی مالیات خود را به صورت برابر با سایر افراد پرداخت کند و خسارت وی جبران نشود به مثابه آن است که او به میزان خسارت وارده، مالیات دیگری را پرداخت نموده است. که این امر با روح برابری در مقابل قانون ناسازگار است، اما ایده پرداخت مالیات مبنای جالب و همیشگی برای حمایت از افراد در مقابل خسارات نیست زیرا که حمایت تابع میزان مالیات پرداختی نمی‌تواند باشد و مالیات هم تنها یکی از مظاهر مشارکت در هزینه‌های عمومی است (ویژه. ۱۳۸۳: ۲۱۵)

بند چهارم: نظریه نفع دولت (شهرداری به مثابه یکی از ارکان دولت)

در این تئوری که نوعی تئوری اقتصاد گراست، نفع شهرداری به مثابه یکی از ارکان دولت مبنایی است که در نظریات پیشین نادیده گرفته شده است. توقع دولت در پرداخت غرامت به زیان‌دیده تأمین می‌شود. یعنی در اینجا نمی‌توان گفت که شهرداری تنها به واسطه حمایت از حقوق زیان‌دیده و برقراری عدالت توزیعی دست به پرداخت غرامت به افراد می‌زند، بلکه پرداخت غرامت از سوی شهرداری به زیان‌دیده، عاملی برای رسیدن وی به منافع والا تر است. مثل کاهش هزینه‌ها در کوتاه مدت یا دراز مدت. عدم پرداخت غرامت فقط صرفه جویی کوتاه مدت است در حالی که، در دراز مدت این عدم پرداخت منجر به وقوع نتایج زیانباری خواهد شد که هزینه های هنگفتی را به شهرداری تحمیل می‌کند. در نظریه مطروحه بین تأملات اجتماعی گوناگون، ارتباط مستقیم وجود دارد به صورتی که عدم حمایت دولت از قشر زیان‌دیده باعث جرم‌زایی، رشوه خواری و نهایتاً فساد اجتماعی خواهد شد که رفع فساد اجتماعی خود مستلزم صرف هزینه های هنگفتی است که در دراز مدت دولت را با مشکل مواجه می‌سازد، حال آنکه هر گاه دولت گستره نظام حمایتی خود را گسترش داده و به یاری زیان‌دیده بشتابد در دراز مدت مجبور به صرف هزینه بهبود اجتماع و رفع فساد نخواهد بود. نظریه های ماقبل در واقع نظریه های عدالت محور هستند، حال آنکه در نظریه حاضر، شهرداری از پرداخت غرامت به عنوان ابزاری استفاده می‌کند که این ابزار میتواند برای وی دارای عواید اقتصادی و یا سیاسی باشد. اصولاً هر دولتی که تشکیل می‌شود، همواره در پی تحکیم پایه های قدرت خویش و کسب مشروعیت بیشتر در میان شهروندان است و به هر اقدامی جهت حفظ نظام سیاسی خود دست می‌یابد. در چنین دیدگاهی دولت با ارائه خدمات

بیشتر به شهروندان و از جمله غرامت به زیان دیدگان، سعی در کسب مشروعیت و بقای خود می‌نماید و به تمام افراد صرفه نظر از میزان استحقاق آنها، حمایت‌های اجتماعی عرضه میدارد. در چنین دیدگاهی ممکن است دولت با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو شود (سلطانی، ۱۳۹۲: ۳۷)

بخش چهارم: جبران خسارت حاصل از مسئولیت مدنی

در مسئولیت مدنی آنچه از اهمیت برخوردار است جبران ضرر است. توجه بر خود ضرر است نه وارد کننده زیان و نه زیان دیده، این عکس مسئولیت کیفری است که تمرکز بر شخص وارد کننده زیان (تلقی شخصی گرا) می‌باشد. در این قسمت، تمرکز ما بیشتر بر جبران خسارت و شیوه‌های آن و مواردی که برخلاف هدف مسئولیت مدنی امکان این جبران وجود ندارد، خواهد بود.

بند اول: شیوه‌های جبران خسارت

شناخت روش جبران، همواره با نوع زیانی که وارد آمده است پیوستگی و ارتباط دارد. این زیان‌ها به طور کلی یا مالی و مادی هستند و یا معنوی و غیرمالی. در رابطه با این دو نوع زیان در بخش قبل توضیح داده شد. در رابطه با زیان‌های مادی هدف جبران خسارت از راه دادن معادل آنچه از دست رفته می‌باشد. اما در خسارات معنوی هدف، از بین بردن منبع ضرر است و از طریق برگرداندن وضع به صورت پیشین خود تحقق می‌یابد. البته این نوع جبران مختص خسارات معنوی نمی‌باشد.

بند دوم: وسایل تأمین جبران خسارت

برای اینکه خسارتی جبران نشده باقی نماند، قانونگذار روش هایی برای این مهم اندیشیده است. از جمله این روش ها می توان به فرض مسئولیت مدنی برای عاملان ورود خسارت، وضع بیمه اجباری و صندوق های پرداخت خسارت اشاره کرد. گفتار اول: ایجاد مسئولیت تضامنی قانونگذار، جهت حمایت هرچه بیشتر از زیان دیدگان در حوادث کار در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «در مورد ماده ی ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعا زیاتمی وارد آورند، متضامنا مسئول جبران خسارت وارده هستند...» این ماده در مقام بیان مسئولیت کارفرما و کارگر به صورت تضامنی می باشد. گرچه نظری بیان شده که این مسئولیت تضامنی را مابین کارگران در برابر زیان دیده نیز دانسته است ؟ البته گاهی قانونگذار اشخاصی که مشترکا مباشر تلف مالی شده اند را مسئول تضامنی دانسته است. به تعبیر دیگر مدلول ماده ی ۳۳۲ قانون مدنی مانع از آن نمی شود که اگر ضرر، به مباشر و سبب منتسب باشد، هر دو در برابر متضرر از اتلاف، متضامنا مسئول نباشند. علاوه بر این با دخالت چندمباشر اگر بتوان اضرار را به عمل هر دو منتسب کنیم باید برای آنها مسئولیت تضامنی را برگزینیم. بعضی از فقها نیز با توجه به همین مبنا در صورت اجتماع ذوالید و غار، زیان دیده را در مراجعه به هر یک از اشخاص مذکور مخیر می دانند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۵)

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی مقاله باید گفت بررسی نظام حقوقی مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دولت در قوانین پراکنده مسئولیت برخی از کارکنان و افراد مانند قضات، کارکنان نیروهای مسلح، اعضا و سهامداران شرکت‌ها و فراریان را بر عهده گرفته است. آئین نامه در مورد سایر کارکنان نیز فقط بر اساس مفاد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، یعنی در صورت وارد آمدن خسارت به کارکنان به دلیل نقص تجهیزات، مسئولیت پذیرفته است و در این زمینه خلأ قانونی در سیستم حقوق ما وجود دارد. به عنوان مثال سال هاست که فعالیت دولت و کارمندان آن خسارت زیادی به افراد وارد کرده یا افراد بی گناه به حبس و بازداشت و... محکوم شده اند و هیچ مرجعی مسئولیت چنین خسارتی را بر عهده نگرفته است. بنابراین در یک قانون کلی باید موضوع مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن به وضوح مشخص شود. طبق قانون مسئولیت مدنی که قبل از انقلاب اسلامی تصویب شده بود، دولت اصل را بر مسئولیت شخصی قرار داده بود و طبق آن قانون که در نظام فعلی مشکلات متعددی دارد، دولت هیچ مسئولیتی نداشت. به طور کلی می‌توان گفت در حقوق ایران مسئولیت مدنی شهرداری چون سایر اشخاص حقوقی ذیل عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر، مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی مبانی توجیهی جهت مسئولیت مدنی شهرداری با عنایت به پذیرش نظام مبتنی بر تقصیر در حقوق موضوعه ما علاوه بر نظریه تقصیر، نمی‌توان از نظریه های بدون تقصیر غافل ماند. چه بسیاری موارد جبران خسارات در قالب نظریه تقصیر قابل توجیه نبوده و لذا جهت بی جبران نماندن زیان و تحقق هدف مسئولیت مدنی باید به این نظریات توجه نمود. اینکه تقصیر مورد نظر در مسئولیت مدنی شهرداری تقصیر به معنای امروزی نبوده که در مورد شهرداری عنوان تقصیر اداری به خود می‌گیرد، جهت تحقق مسئولیت مدنی وجود ارگانی چون زیان، فعل زیانبار، رابطه سببیت و در نظام حقوقی ما غالباً تقصیر لازم می‌باشد. در خصوص زیان، ورود زیان های جمعی به افراد نامحصور، به نظر تصور

مسئولیت مدنی برای شهرداری را دشوار می‌نماید. فعل زیانبار هم می‌بایست همزمان با انجام وظیفه اداری و مرتبط با آن باشد. تا قابلیت انتساب به شهرداری را داشته باشد، تقصیر هم در مسئولیت مدنی شهرداری توصیفی جداگانه دارد که به آن اشاره شده. شهرداری در اجرای وظایف کلی و ویژه خود ممکن است، گونه‌هایی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشد. اقداماتی که در عرصه‌هایی چون اجرای همچنین مسئولیت شهرداری‌ها از نگاه حقوق خصوصی قابل بررسی بوده و پرداختی که از طرف دولت یا شهرداری در حوادثی که به معنای اخص طبیعی و فورس مازور محسوب می‌شود و بر اساس اصول کلی حقوق عمومی پرداخت می‌شود را نمی‌توان دلیل بر ضمان دولت یا شهرداری دانست. زیرا تعهد پرداخت که ریشه در قانون مسئولیت مدنی (مثلا ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) دارد با مفهوم ضمانی که در حقوق خصوصی و در معنای اخص آن مطرح است متفاوت می‌باشد. اساسا در اصطلاح حقوقی حوادث طبیعی، حادثه با حالتی است غیر قابل انتساب به شخص و در صورت انتساب غیر قابل پیش‌بینی که با رعایت مبالات و احتیاط در رعایت نظامات دولتی هیچ شخص مواظبی نمیتوانسته بدان فائق آید و متعهد را از مسئولیت مبرا کند، زیرا چنانچه قابل انتساب باشد به صورتی که شخص با رعایت جوانب احتیاط می‌توانسته از آن جلوگیری کند شخص منتسب، مسئولیت جبران خسارت را متحمل می‌گردد لیکن در حقوق مدنی به معنی عام، هر حادثه غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب است که متعهد را از اجرای تعهد بازدارد، فورس مازور موجب برائت است، برائت از جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد باز دارد، لذا در علم حقوق ریشه غیر مترقبه ابتدئا در کد ناپلئون (اولین قانون مدنی فرانسه) مطرح گردید بعد از آن این واژه مورد توجه نظامهای حقوقی مختلف و به صور گوناگون قرار گرفت، با نیم‌نگاهی در پیشینه تاریخی ایران در قانون مدنی نیز این تئوری مطرح گردید اما در حوزه اینکه دولت در قبال بروز چنین حوادثی چه مسئولیتی دارد وفق قانون مسئولیت مدنی که تصویب آن به قبل از انقلاب بر می‌گردد دولت اصل را بر مسئولیت شخص گذاشته بود و طبق آن قانون دولت

هیچ مسئولیتی نداشت تا اینکه در سال ۸۶ دولت اسلامی با تشکیل قانون تشکیل مدیریت بحران که یک قانون امری می‌باشد مسئولیت دولت در پیشگیری، آمادگی در برابر چنین حوادثی و مقابله با آن و اقدامات بعد از بروز حادثه مشخص گردید و جای خالی مسئولیت دولت که در قانون مسئولیت مدنی پیش بینی نشده بود و مسئولیت را فقط بر اساس مسئولیت شخصی می‌دانست پر نمود، هر چند از نظر اجرایی به طور کامل قوانین امری آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد در هر جهت این قانون را نیز می‌توان به قاعده تقلیل خسارت نیز تعمیم داد لیکن قاعده مذکور قاعده ای است که به موجب آن شخص زیان‌دیده موظف است اقدامات متعارف را برای جلوگیری از بروز خسارت یا افزایش زیان انجام دهد را نباید نادیده که خلاء این قاعده در قوانین مشهود است اما باید این را هم عنوان نمود که علم حقوق از کسی انتظار شجاعت و فداکاری ندارد و هر کسی مسئول عملکرد خویش است ولی گاهی بروز حوادث طبیعی از نظر مسئولیت اخلاقی حاکمیت ظهور در معنا دارد که به موجب آن با نگرش به حقوق اسلام حاکمیت موظف است در صورت بروز چنین حادثه ای اقدامات لازم را در جهت پیشگیری و مقابله با آن انجام دهد که از آن به عنوان دیون طبیعی دولت در قبال شهروندان یا دیون اخلاقی دولت به عنوان یک استثناء با داشتن ضمانت اجرایی یاد نماییم لذا نکته مهم اینکه در صورت وجود شرایط قوه قاهره که شامل غیر قابل پیش بینی، غیر قابل پیشگیری و خارجی بودن حادثه می‌باشد در صورت ورود خسارت، همچون سایر اشخاص مسئولیتی متوجه شهرداری نخواهد به عنوان مثال چنانچه در اثر وقوع زلزله شدید که قابل پیش بینی نبوده و در اثر بخشی از ساختمانهای شهر ویران گردد و در این راستا نیز به اشخاص خسارت وارد شود نمی‌توان شهرداری را از بابت مسئولیت مدنی مکلف به جبران خسارت دانست (هر چند که به عنوان یک نهاد خدماتی حقوق عمومی مکلف به کمک به زیان‌دیدگان باشد) به عبارتی می‌بایست قائل به قانون مسئولیت بدون تقصیر گردید که در برخی از اتفاقات نمی‌توان شهرداری را مقصر دانست به طور مثال اگر کسی غیر مجاز یا بدون گرفتن پروانه در حریم

رودخانه یا محل هایی که ساخت و ساز در آنها غیر قانونی است خانه ای ساخته و در آن ساکن گردد یا ساختمان در اختیار خویش باشد چنانچه بر اثر حوادث غیر مترقبه ساختمان از بین برود به ویژه اگر حادثه مورد نظر به گونه ای باشد که تعیین حریم در قانون برای اجتناب از همان حادثه وضع شده باشد، در این صورت هیچ استحقاقی برای دریافت خسارت و غرامت ندارد و از نظر قانونی هم می توان عنوان داشت که هر گونه پرداختی تحت عنوان خسارت به مالک مقتضی است ؛ لیکن از نکات در خور توجه ذکر این مهم است که عده ای از حقوقدانان اساساً معتقدند شهرداری در مورد حوادث طبیعی مثل زلزله و قاهره بودن آن می باشد و بدون معافیت از پرداخت خسارت، مطلقاً دارای مسئولیت بوده است این در حالیست که مطابق آراء متعدد صادره از محاکم قضایی که در این تحقیق از سوی اینجانب به پیوست بدان اشاره شده است نظریات موافق مخالفی در این خصوص وجود داشته که به همین مبنا نیز عدم مسئولیت شهرداری در بروز حوادث غیر مترقبه چندان بی مورد و دور از دیدگاه شرع و قانون نمی باشد لذا در نهایت امر از نظر اینجانب به عنوان نگارنده تحقیق حاضر، اساساً با در نظر گرفتن جمیع جهات در خصوص حوادث مذکور و تعیین میزان مسئولیت و قصور شهرداری می بایست قائل به تفکیک گردید بدین نحو که در صورت وجود شرایط قوه قاهره، مشتمل بر غیر قابل پیش بینی، غیر قابل پیشگیری و خارجی بودن حادثه و در صورت ورود خسارت وجود شرایط مارالذکر مسئولیتی متوجه شهرداری نخواهد بود و اساساً مسئولیت شهرداری را می توان صرفاً در خصوص حوادث قابل پیش بینی و پیشگیری آنهم به نسبت تقصیر یا قصور منتسب به آن مورد بررسی قرارداد به گونه ای که در آن قسمت خساراتی که در نتیجه اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه شهرداری می بایست از بروز آنها جلوگیری می گردید، انجام پذیرفته، موجب مسئولیت برای شهرداری بوده و از باب مسئولیت مدنی به نسبت به تقصیر مکلف به جبران آن قسمت از خسارات وارده می باشد.

منابع و مآخذ

الف) کتب

- امامی، دکتر سید حسن (۱۳۵۱) حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامیة
- ابوالحمد، عبدالمجید، ۱۳۹۴، حقوق اداری ایران، انتشارات توس، مشهد، ص ۱۲
- استوارسنگی، دکتر کوروش و امامی، دکتر محمد (۱۳۸۸)، حقوق اداری، جلد اول، چاپ ششم، تهران، نشر میزان
- انصاری ولی الله، ۱۳۹۱، کلیات حقوق اداری، تهران، میزان، ص ۲۳۲
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۲، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران
- راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظارت و تعادل مفهوم ساختار بر منهج عدل، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- سیدفاطمی، سید محمد قاری (۱۳۸۲)، حقوق بشر در جهان اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- شایگان، سید علی (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ اول، قزوین، انتشارات طه
- شمس، عبد... (۱۳۹۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات دراگ

- شهیدی، دکتر مهدی (۱۳۹۳)، سقوط تعهدات، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه
مجد
- صدر حفاظی، نصر... (۱۳۷۲)، نظارت بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری،
چاپ اول، تهران، نشر شهریار
- صدر زاده افشار، سید محسن (۱۳۷۶)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ چهارم،
تهران، انتشارات مجد
- صفار، دکتر محمد جواد (۱۳۹۲)، شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات
بهنامی
- عباس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۹)، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری،
تهران، پژوهشکده مدیریت شهری
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، چاپ ۲۴، تهران، انتشارات امیرکبیر
- غمامی، مجید (۱۳۷۸)، مسئولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، چاپ اول،
تهران، نشر دادگستر
- متین دفتری، احمد (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی بازرگانی، تهران، چاپ مجد
- محقق داماد، دکتر سید مصطفی (۱۳۹۴)، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ چهل و پنجم،
تهران، مرکز نشر علوم انسانی
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان
- مقصودپور، رسول (۱۳۸۹)، دعاوی طاری و شرایط اقامه آن، چاپ اول، تهران،

مجمع علمی فرهنگی مجد

- یعقوبی، عبداله‌اشم (۱۳۷۸)، نحوه رسیدگی به دعاوی دادگستری، جلد اول، انتشارات فردوسی، تهران

ب) مقالات

- باقری سجیرایی، رضوان (۱۳۹۷)، بررسی مسئولیت مدنی و کیفری شهرداری ها، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- جرفی، هادی (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی شهرداری ناشی از وظیفه مراقبت از اموال، کنفرانس بین المللی علوم مهندسی، هنر و حقوق.
- جهرمی، علی بهادر و رستمی، ولی (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی دولت، فصلنامه حقوق، دوره ۱۰۰، شماره ۲۹
- رضایی نژاد، همایون و کریمی، عباس (۱۳۹۱)، تفکیک صلاحیت قضایی دادگاههای عمومی و مراجع اختصاصی در رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی شهرداری، مجله علمی پژوهشی حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره اول
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی موسسات عمومی و بررسی لایحه دولت در این زمینه، مجله حقوق تطبیقی، دوره جدید، شماره ۱
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، العین، ج ۵، ط ۲، نشر هجرت، قم، ه ق.
- قائم مقام فراهانی، محمد حسین (۸۴)، صلاحیت رسیدگی به امور مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه

- حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱
- موسوی، سیدمهدی (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی شهرداری ها در حوادث غیر مترقبه، چاپ اول، تهران، انتشارات سنجش و دانش.
- میرنظامی، سیدوحید (۱۴۰۰)، بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری در رویه قضایی، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹.
- نظری توکلی، سعید (۸۸)، مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از گذرگاههای عمومی، فصلنامه حقوق، انتشار دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴
- هرمزی، خیرا... (۱۳۹۳)، توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی، فصلنامه پژوهشی حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ششم
- وحدانی نیا، محمدامین (۱۴۰۰)، مسئولیت مدنی شهرداری ها در طرح تملک، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.
- یزدانین، علی (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث غیر مترقبه، ماهنامه پایا شهر، دوره ۴، شماره ۴۳.
- یوسفی طارمی، میثم (۱۴۰۰)، مسئولیت مدنی شهرداری ناشی از عدم انجام وظایف و تکالیف قانونی، انجمن علمی حقوقی پزشکی ایران، دوره ۱.
- رجب صلاحی حسین، ۱۳۹۲، حکومت محلی و عدم تمرکز، تهران، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ص ۱۱۲
- رضایی نژاد، فرج الله، ۱۳۸۵، مسئولیت مدنی شهرداری ها در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۶۳-۶۸

- سلطانی حسن. ۱۳۹۲. بررسی نظریه های نفع عمومی و آثار آنها بر قوانین و نهادهای سیاسی در چارچوب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی، ص ۳۷
- شکری، طاهره؛ زارع، علی؛ ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی شهرداری در برابر شهروندان، تحقیقات حقوق
- صفایی، دکتر سیدحسین؛ رحیمی، دکتر حبیب الله، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، چاپ دوم. ص ۵۵-۵۸
- طباطبائی موتمنی منوچهر، ۱۳۹۰، حقوق اداری، تهران، سمت، ص ۱۴۰-۱۲۷ (۱۳۹۰) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ و اصلاحات بعدی آن

ج) پایان نامه ها

- رضایی نژاد، فرج ... (۱۳۸۴)، مسئولیت مدنی شهرداری ها در نظام حقوقی ایران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- زارع، محمد (۱۳۷۶)، مرجع رسیدگی به تخلفات ساختمان کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، دانشگاه تهران
- کرم زاده، مسعود (۱۳۹۰)، ماهیت حقوقی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی